

رابطه پیوند اجتماعی ایجاد شده توسط خانواده با خشونت میان فردی  
نوجوانان پسر در شهر یزد

The Relationship between Social Link Established by Family and  
Interpersonal Violence of Male Juveniles in Yazd

M. ParsaMehr, Ph.D. ✉

S. M. Saeidi Madani, Ph.D.

F. DivBand, M. A.

دکتر مهربان پارسامهر ✉

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

دکتر سیدمحسن سعیدی مدنی

استادیار دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه یزد

فائزه دیوبند

کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه یزد

دریافت مقاله: ۸۸/۴/۲۸

دریافت نسخه اصلاح شده: ۸۸/۹/۲۸

پذیرش مقاله: ۸۸/۱۱/۱۰

Abstract

The aim of this study is to investigate the relation between social link established by family and interpersonal violence of male juveniles in the Iranian city of Yazd. The research applies a correlational study to 385 male juveniles who were chosen by means of random cluster sampling. Data on violence and family were collected using the standardized CTS

چکیده:

پژوهش حاضر به بررسی تأثیر پیوند اجتماعی ایجاد شده توسط خانواده بر خشونت میان فردی نوجوانان پسر در شهر یزد می‌پردازد. روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی است. ۳۸۵ نوجوان پسر با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و به صورت تصادفی انتخاب شدند. اطلاعات مربوط به خشونت با استفاده از پرسشنامه استاندارد CTS، و اطلاعات مربوط به خانواده با استفاده از پرسشنامه محقق ساخته به دست آمدند.

✉Corresponding author: Faculty of Social Sciences, Yazd University, Yazd, Iran.  
Tel:+98351-8123371  
Fax:+98351-8210643  
Email: [parsamehr@yazduni.ac.ir](mailto:parsamehr@yazduni.ac.ir)

✉نویسنده مسئول: یزد، صفائیه، دانشگاه یزد، دانشکده علوم اجتماعی  
تلفن: ۰۳۵۱-۸۱۲۳۳۷۱ دورنما: ۰۳۵۱-۸۲۱۰۶۴۳  
پست الکترونیکی: [parsamehr@yazduni.ac.ir](mailto:parsamehr@yazduni.ac.ir)

and a researcher-made questionnaires respectively.

The results of study show that there is negative meaningful correlation between family factor and interpersonal violence. Also regression results indicate that parent control and attachment to family is the salient predictor for verbal violence; whereas parent control, family attachment age and educational status are the best predictor for mild and severe physical violence; while parent control, parental consent, age and educational status are the major predictor for interpersonal violence.

**KeyWords:** Social Link, Family, Interpersonal Violence, Social Control, Male Juveniles.

نتایج نشان دادند بین چهار عامل مؤثر در جامعه-پذیری که در خانواده وجود دارند و رفتارهای خشونت‌آمیز نوجوانان آن خانواده، همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون سلسله مراتبی نشان دادند که متغیرهای کنترل والدین و دلبستگی به خانواده برای خشونت کلامی؛ متغیرهای کنترل والدین، دلبستگی به خانواده، سن و پایه تحصیلی برای خشونت جسمانی ملایم و شدید؛ متغیرهای کنترل والدین، دلبستگی به خانواده، توافق والدین، سن و پایه تحصیلی برای خشونت میان‌فردی در مجموع پیش‌بینی‌کننده‌های برجسته‌تری بودند.

**کلیدواژه‌ها:** پیوند اجتماعی، خانواده، خشونت میان‌فردی، نظارت اجتماعی، نوجوانان پسر

## مقدمه

در همه دوره‌های تاریخی انواع و اشکال خاصی از کجروی‌ها و ناهنجاری‌های اجتماعی در جوامع بروز و نمود یافته است. با تغییر ساختارها و مناسبات اجتماعی، نه تنها اشکال جدیدی از ناهنجاری‌ها پدید آمده بلکه میزان رواج و نیز معنی و مفهوم آن‌ها نیز تغییر یافته است. خشونت از جمله این آسیب‌ها و ناهنجاری‌هاست. خشونت<sup>۱</sup> را می‌توان به اشکال گوناگون تعریف کرد. برخی آن را عملی می‌دانند که با رفتارهای مخصوصاً جسمانی یا دست‌کم بیانی همراه می‌گردد (ستوده، ۲۰۵: ۱۳۷۲). برخی دیگر آن را عملی آسیب‌رسان می‌دانند که فرد برای پیشبرد مقاصد خویش به کار می‌برد و صرفاً جنبه فیزیکی (بدنی) ندارد، بلکه ممکن است ابعاد روانی (فحاشی، تحقیر، مزوی کردن، داد و فریاد زدن و...)، اقتصادی (شکستن وسایل) و حتی جنسی (آزار مزاحمت جنسی و تجاوز) نیز داشته باشد (سجادی، ۱۳۸۲: ۴). در تقسیم‌بندی دیگری آن را به چهار نوع فیزیکی (نسبت به انسان اعم از درون‌فردی<sup>۲</sup> و میان‌فردی<sup>۳</sup> و خشونت نسبت به اشیاء و اموال اعم از اموال شخصی و یا عمومی)، کلامی، ترکیبی (ترکیبی از دو نوع قبلی) و اجتماعی (سرپیچی از مقررات) تقسیم کرده‌اند (پورچیت‌ساز، ۱۳۸۲: ۳۵-۳۴).

تا آن‌جا که تاریخ نشان می‌دهد افراد به دلایل گوناگون با یکدیگر، درگیری‌های خشونت‌آمیز داشته‌اند. اما در جامعه امروز خشونت به شکل‌های مختلف آن به یک معضل اجتماعی رو به رشد و به عنوان بخشی از رفتار معمولی تبدیل شده است (محسنی‌تبریزی، ۱۳۷۹: ۱۹۴). رفتاری که می‌توان آن را به طور روزافزون در برخوردهای بین افراد در جامعه مشاهده کرد. به طوری که ما هر روز شاهد تظاهر آن در محیط مدرسه، زمین ورزشی، خانه و خیابان و امثال آن هستیم (پورچیت‌ساز، ۱۳۸۲: ۶). گسترش دامنه خشونت و پرخاشگری، به ویژه در سال‌های اخیر در جامعه ایران یکی از جدی‌ترین آسیب‌های اجتماعی به شمار می‌رود (توسلی و فاضل، ۱۳۸۲: ۱۱۵). آمارهای نیروی انتظامی نیز مؤید همین نکته‌اند چرا که میزان ضرب و جرح از ۳۶۶۸۹ در سال ۶۵ به ۵۰۶۴۹ در سال ۷۱ و به ۸۰۰۳۶ در سال ۸۳ رسیده است (سالنامه آماری ایران، ۱۳۸۴: ۴۷۰-۵۰۰). در این مورد تردیدی وجود ندارد که وجود خشونت در جامعه می‌تواند آسیب‌های جدی جسمی و روانی را به افراد و خسارت‌های بزرگی را به اموال وارد آورد و هنگامی که اشاعه یابد می‌تواند آسیب‌های عمیقی را به روابط اجتماعی وارد سازد (پورچیت‌ساز، ۱۳۸۲: ۲۳). اما توجه به مسئله خشونت در بین نوجوانان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. چرا که از یک طرف، نوجوانان بخش اعظمی از اوقات روز خود را در مدرسه می‌گذرانند و دانش‌آموزی که در محیط مدرسه تحت خشونت‌های کلامی یا بدنی قرار گیرد و یا این‌که آن را مشاهده کند دچار احساس ناامنی و بی‌زاری از مدرسه می‌شود، و این امر خود را به تدریج به صورت افت تحصیلی یا ترک تحصیل نشان می‌دهد (بازرگان، ۱۳۸۲: ۱). از طرف دیگر شخصیت آدمی در سنین کودکی و نوجوانی تحت تأثیر نهادها و عوامل اجتماعی شدن شکل می‌گیرد؛ نهادهایی که در ایجاد پیوند با جامعه و درونی کردن ارزش‌های آن در افراد بسیار مؤثرند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۰۳-۱۰۴). هیرشی<sup>۴</sup> معتقد است که رفتارهای انحرافی (از جمله خشونت) زمانی واقع می‌شوند که پیوند فرد و جامعه ضعیف و یا گسسته شود. در این میان خانواده و جامعه دو عامل مهم در ایجاد این پیوند هستند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۱-۱۲۳) اما این نکته را باید خاطر نشان کرد که نهاد خانواده عامل اصلی اجتماعی شدن در دوران طفولیت است و بدیهی است که در سنین نوجوانی تنها معدودی از نوجوانان ممکن است به سادگی و بی‌چون و چرا بپوشش والدین خود را بپذیرند (گیدنز، ۱۳۷۳: ۱۰۳-۱۰۴). چرا که نوجوانی آغاز ورود به جامعه وسیع‌تر و استقلال از والدین و کاهش ارتباط با آن‌هاست (کاپلان، ۱۳۸۱: ۸۳۲-۸۳۵) و این امر نقش والدین را حساس‌تر و دشوارتر از قبل خواهد ساخت؛ بنابراین نظارت و عملکرد درست و یا نادرست خانواده و والدین در این دوران حساس، نقش مهمی بر فرایند جامعه‌پذیری نوجوان و رشد رفتار بهنجار و یا نابهنجار وی دارد و روابط والدین و عملکرد خانواده با رشد رفتاری نوجوان مرتبط می‌باشد (گلچین، ۱۳۸۰: ۳۰۲).  
 نای<sup>۵</sup> معتقد است خانواده از طریق چهار عامل به تقویت پیوند اجتماعی نوجوان با جامعه و در نتیجه کاهش رفتارهای انحرافی می‌پردازد: اولین عامل نظارت یا کنترل درونی است. به این طریق

که خانواده به ایجاد وجدان یعنی درونی کردن هنجارها، ارزش‌ها، و نیز احساس شرم و گناه در صورت ارتکاب به کج‌رفتاری می‌پردازد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۱-۱۲۳). بنابراین به نظر می‌رسد والدینی که دارای دینداری یا تعهدات دینی بالاتری هستند، تعهد به دستورات اخلاقی دین را به فرزندان خود نیز انتقال داده و باعث افزایش نیروی کنترل درونی در آن‌ها می‌شوند.

دومین عاملی که نای به آن اشاره می‌کند، نظارت غیرمستقیم است و به این صورت شکل می‌گیرد که نوجوان به دلیل بستگی و وابستگی عاطفی که با خانواده خود دارد، سعی می‌کند مطابق با میل آن‌ها رفتار کند و کاری نکند که باعث رنجش و ناراحتی آن‌ها شود. بنابراین بر طبق نظر نای نوجوانانی که به والدین و خانواده خود دلبستگی بیشتری دارند، کمتر به رفتارهای انحرافی از جمله خشونت روی می‌آورند (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۳). پژوهش‌ها نشان می‌دهند، خانواده‌های سردی که خیلی از فرزندان‌شان انتقاد می‌کنند و رابطه صمیمی با آن‌ها ندارند، کودکان بزهکار تولید می‌کنند (دی-کلاین<sup>۷</sup>، بیرام<sup>۸</sup>، ۱۹۹۸). بنابراین وابستگی عاطفی اعضای خانواده به همدیگر، بر روی رفتارهای مسئله‌دار نوجوانان مؤثر است (دنیس<sup>۹</sup> و تری<sup>۹</sup>، ۱۹۹۹).

عامل سوم در ایجاد پیوند اجتماعی از نظر نای، نظارت مستقیم، تنبیه و محدودیت مستقیم از جانب خانواده است (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۳). پژوهش‌ها نشان می‌دهند، در اغلب موارد، پدر و مادرهای بزهکاران یا خیلی سخت‌گیری و تنبیه می‌کرده‌اند و یا خیلی سهل‌گیری و عدم کنترل (دی‌کلاین، بیرام، ۱۹۹۸). بنابراین میزان کنترلی که والدین بر روی فرزندان اعمال می‌کنند بر روی رفتارهای مسئله‌دار نوجوانان مؤثر است (دنیس و تری، ۱۹۹۹).

و اما چهارمین عامل از نظر نای نقش خانواده در ارضای نیازها و توانایی خانواده در تأمین زندگی و فراهم کردن امکانات موفقیت در آینده برای نوجوان است. خانواده‌هایی که در انجام این امر توانایی کمتری دارند کمتر می‌توانند از نوجوانان خود انتظار هم‌نواپی داشته باشند. نای معتقد است فروپاشی خانواده کم اهمیت‌تر از خوشحالی و خوشبختی خانواده است. خانواده‌ای که پر از تشنج و اختلاف است می‌تواند نقش مهمی در کج‌رفتاری نوجوان بازی کند. اما نوجوانی که در خانواده طلاق گرفته ولی آرام زندگی کند، وضعیت بهتری دارد (ممتاز، ۱۳۸۱: ۱۲۳). پژوهش‌ها نشان می‌دهند، خانواده‌هایی که دارای، ناسازگاری و درگیری زیاد هستند بیشتر دارای فرزندان پرخاشگر و متجاوز به حقوق دیگرانند (وبستر<sup>۱۰</sup> و دال<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۵). کیفیت روابط زن و شوهر بر کیفیت روابط آنان با فرزندان عمیقاً اثر می‌گذارد و وقتی زن و شوهر از حمایت عاطفی همدیگر برخوردار باشند بیشتر خود را درگیر تربیت فرزندان می‌کنند (کتر<sup>۱۲</sup> و گاتمن<sup>۱۳</sup>، ۱۹۹۷). هم‌چنین برخی از پژوهشگران دریافته‌اند که نه تنها میزان تعارض بین زن و شوهر، بلکه روش غلبه بر آن نیز می‌تواند آثار زیانباری بر سازگاری و رشد نوجوانان داشته باشد. در خانواده‌هایی که بین زن و شوهر تعارض و کشمکش همراه با عناد و خصومت وجود دارد، فرزندان، ناسازگاری و به ویژه رفتارهای پرخاشگرانه و نافرمانی

از خود بروز می‌دهند (کتز و گاتمن، ۱۹۹۳). دنیس و تری (۱۹۹۹) نیز در پژوهشی نشان دادند که تضاد و درگیری در محیط خانواده بر روی رفتارهای مسئله‌دار نوجوانان مؤثر است. بنابراین بر طبق نظر نای و هم‌چنین نتایج برخی از پژوهش‌ها، خانواده، روابط حاکم بر آن، و نحوه برخورد و پیوند با نوجوانان، در نوع رفتار آن‌ها بسیار مؤثر است. در این پژوهش با توجه به اهمیتی که دوران نوجوانی در طول زندگی انسان دارد و با توجه به این‌که خانواده نقش مهمی در جامعه‌پذیر کردن هنجارهای جامعه در این سنین ایفا می‌کند، سعی در یافتن پاسخ به این سؤال هستیم که آیا خشونت نوجوانان با برخی ویژگی‌های (مرتبط با جامعه‌پذیری) خانواده ارتباط دارد؟

## روش

روش پژوهش حاضر از نوع همبستگی می‌باشد.

## جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری مورد مطالعه کلیه دانش‌آموزان پسر سال‌های اول تا سوم دبیرستان‌های دولتی و غیردولتی شهر یزد هستند که تعداد ۳۸۵ نفر از آن‌ها به روش نمونه‌گیری تصادفی از بین خوشه‌های موجود انتخاب شدند. به این شکل که در مرحله اول، از میان ۲ ناحیه آموزش و پرورش شهرستان یزد ناحیه ۱ به طور تصادفی انتخاب شد. در مرحله دوم، از میان مدارس متعدد ناحیه ۱، تعداد ۵ مدرسه به صورت تصادفی انتخاب شدند. در مرحله سوم، از میان کلاس‌های متعدد هر مدرسه ۴ کلاس به صورت تصادفی انتخاب شدند. در نهایت دانش‌آموزان کلاس تمام شماری شدند.

## ابزارهای پژوهش

پرسشنامه مشخصات اجتماعی، جمعیت‌شناختی: این پرسشنامه متغیرهای جمعیت‌شناختی و کنترل را که به نظر می‌رسید در رفتار نوجوانان تأثیر می‌گذارند، در برمی‌گیرد که عبارت‌اند از سن، محل تولد، پایه تحصیلی، نوع مدرسه، تعداد فرزندان خانواده و پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده. برای تعیین پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان، از روش ترکیبی و شاخص‌های تحصیلات و شغل پدر و مادر، نوع مسکن، و درآمد خانواده (دانکن<sup>۴</sup>، ۱۹۶۱ و نام<sup>۱۵</sup>، ۱۹۸۳) استفاده شد. بر این اساس ضمن طرح این ۶ شاخص مذکور به ۳۰ داور، وزن ۱ الی ۵ به آن‌ها داده شد. سپس میانگین وزنی هر عامل به ترتیب زیر مشخص گردید: شغل پدر ۵/۴۹، درآمد خانواده ۴/۲۹، تحصیلات پدر ۴/۱، تحصیلات مادر ۲/۷، شغل مادر ۲/۳، مسکن ۲. در مرحله بعد از مجموع نمرات جزئی خانواده فرد، رتبه کل فرد به دست آمد و در نهایت با استفاد از روش محاسبه دامنه تغییرات، سه طبقه اقتصادی بالا، متوسط و پایین محاسبه شد.

**پرسشنامه مربوط به پیوند اجتماعی ایجاد شده توسط خانواده:** برای سنجش این متغیر بر مبنای تئوری نظارت اجتماعی و نظر نای، چهار متغیر دینداری والدین، توافق یا عدم تضاد والدین، کنترل والدین و میزان دلبستگی به والدین در نظر گرفته شده است. برای سنجش، این متغیرها در ابتدا معرف‌سازی شدند. برای سنجش تضاد والدین دو معرف میزان درگیری والدین و میزان انتقاد والدین در نظر گرفته شده است (چلبی، ۱۳۸۱: ۴۰). برای سنجش دلبستگی به والدین نیز سه معرف علاقه به با هم بودن در میان اعضای خانواده، حمایت اعضاء خانواده از همدیگر و پذیرفتن بخشی از مسئولیت‌های خانواده در نظر گرفته شده است (موس<sup>۱۶</sup> و موس، ۱۹۷۵). برای سنجش کنترل فرزندان توسط والدین نیز معرف‌هایی مربوط به کنترل دوستان، استفاده از رسانه‌های جمعی، و رفتار در بیرون از منزل در نظر گرفته شد (پریز<sup>۱۷</sup>، فوستر<sup>۱۸</sup>، کنت<sup>۱۹</sup>، اولاری<sup>۲۰</sup>، ۱۹۷۹). همچنین برای سنجش متغیر دینداری والدین نیز معرف‌هایی چون انجام مناسک، اعتقاد دینی و اطلاعات دینی در نظر گرفته شد. سپس این معرف‌ها در قالب گویه‌ها و سؤالاتی بر روی مقیاس لیکرت تنظیم شدند که این گویه‌ها شامل موارد کاملاً موافق، موافق، تا حدودی، مخالف، و کاملاً مخالف می‌شدند و ضریب همسانی درونی (آلفا) آن‌ها بالا بود (جدول ۱) و همچنین بر طبق نظر کارشناسان جامعه‌شناسی و روان‌شناسی از اعتبار صوری نیز برخوردار بودند.

**پرسشنامه خشونت بین فردی (CTS) از مقیاس تاکتیک‌های تضاد<sup>۲۱</sup>:** برای سنجش گرایش به خشونت از یکی از مهم‌ترین مقیاس‌ها یعنی مقیاس تاکتیک‌های تضاد (CTS) استفاده شد. برای اولین بار استراوس آن را در سال ۱۹۷۹ ابداع نمود و در فاصله سال‌های ۱۹۹۰-۱۹۷۹ چند بار تصحیح شده و ضریب روایی آن ۸۲٪ گزارش شده است (چلبی، ۱۳۸۱: ۴۰). همچنین این مقیاس حداقل در ۲۰ کشور جهان از جمله در سال ۱۹۸۳ توسط کاماگی<sup>۲۲</sup> و استراوس<sup>۲۳</sup> در ژاپن، در سال ۱۹۹۳ توسط گاتمن<sup>۲۴</sup> و ادلسون<sup>۲۵</sup> در اسرائیل و در سال ۱۹۹۴ توسط تانگ<sup>۲۶</sup> در هنگ‌کنگ با موفقیت انجام شده است. مقیاس CTS به طور روزافزون به عنوان ابزاری در تشخیص بیماری در خانواده‌درمانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. مقالات متعددی در مورد این مقیاس نوشته شده‌اند که اعتبار، روایی و ساختار عاملی این مقیاس را به اثبات رسانده‌اند. نقطه ارجاعی CTS یک سال است (زارعی، ۱۳۸۳). ضریب همسانی درونی (آلفا) مؤلفه‌های این مقیاس (جدول ۱) محاسبه شد. در مرحله بعد پس از استخراج پاسخ‌ها و انجام تحلیل مؤلفه‌های اصلی با روش چرخش واریماکس ۳ عامل خشونت کلامی<sup>۲۷</sup>، جسمانی ملایم<sup>۲۸</sup> و جسمانی شدید<sup>۲۹</sup> (جدول ۱) مشخص شدند. همه مؤلفه‌های مقیاس بر اساس طیف پنج درجه‌ای لیکرت (هرگز؛ ۱-۲، ۳-۵، ۶-۱۰، و بیش از ۱۰ بار) درجه‌بندی شدند. برای سنجش خشونت در مجموع برای هر واحد، با توجه به شدت آن، وزن ۱ تا ۳ (خشونت کلامی وزن ۱، جسمانی ملایم ۲، جسمانی شدید ۳) داده شد.

جدول ۱: مؤلفه‌های پیوند اجتماعی ایجاد شده توسط خانواده و خشونت بین فردی و آلفای آن‌ها

مقیاس	مؤلفه‌ها	تعداد موارد	میانگین	انحراف معیار	آلفا
پیوند اجتماعی ایجاد شده توسط خانواده	کنترل والدین	۵	۳/۶۵	۰/۷۶	۰/۷۰
	توافق والدین	۶	۲/۲۶	۰/۸۳	۰/۷۶
	دینداری پدر	۶	۳/۸۴	۰/۷۰	۰/۷۶
	دینداری مادر	۶	۴/۲۱	۰/۶۰	۰/۷۷
	دل بستگی به خانواده	۱۲	۳/۸۳	۰/۷۳	۰/۸۶
مقیاس تاکتیک‌های تضاد (خشونت بین فردی)	خشونت کلامی	۳	۲/۱۱	۱/۲۳	٪۷۹
	خشونت جسمانی ملایم	۱۰	۱/۰۵	۰/۹۷	٪۹۳
	خشونت جسمانی شدید	۴	۰/۴۴	۰/۶۷	٪۸۷

### یافته‌ها

مطابق با داده‌های اجتماعی جمعیت‌شناختی، میانگین سن پاسخگویان ۱۶/۴۲ سال و میانگین تعداد فرزندان خانواده‌ها ۳/۸۷ بود. ۸۲/۶ درصد از پاسخگویان متولد شهر یزد و ۱۷/۴ درصد متولد بیرون از شهر یزد، ۷۳/۵ درصد از مدارس دولتی و ۲۶/۵ درصد از مدارس غیرانتفاعی بودند. درمورد مقطع تحصیلی آن‌ها، ۲۶ درصد در مقطع اول، ۴۰/۸ درصد در مقطع دوم و ۳۳/۲ درصد در مقطع سوم دبیرستان تحصیل می‌کردند.

در بررسی ارتباط بین برخی متغیرهای مؤثر در رفتار نوجوانان چون: سن، پایه تحصیلی، تعداد فرزندان خانواده، پایگاه اقتصادی - اجتماعی خانواده با میزان خشونت، نتایج آزمون همبستگی نشان داد که بین متغیر پایه تحصیلی و خشونت جسمانی ملایم و هم‌چنین خشونت کل همبستگی منفی و معناداری وجود دارد. این در حالی است که هیچ همبستگی معناداری بین پایگاه اقتصادی - اجتماعی، سن و تعداد فرزندان خانواده با خشونت و ابعاد گوناگون آن و هم‌چنین پایه تحصیلی با خشونت کلامی و جسمانی شدید وجود ندارد. نتایج آزمون t نیز نشان می‌دهد متغیرهای محل تولد و نوع مدرسه، تفاوت معناداری در گرایش به خشونت بین فردی و ابعاد گوناگون آن ایجاد نمی‌کنند.

برای بررسی رابطه بین میزان پیوند اجتماعی ایجاد شده توسط خانواده و مؤلفه‌های آن با خشونت میان فردی و ابعاد آن از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد، همان‌طور که در جدول ۲ نشان داده شده است. همبستگی منفی و معناداری بین پیوند اجتماعی و مؤلفه‌های آن با خشونت میان فردی و ابعاد آن وجود دارد.

## جدول ۲: گرایش به خشونت بر حسب متغیر پیوند ایجاد شده توسط

## خانواده و مؤلفه‌های آن

متغیر مستقل	متغیر وابسته	همبستگی	آماره
دینداری والدین	خشونت کلامی	-۰/۱۸۵	۰/۰۰۰
	خشونت جسمانی ملایم	-۰/۱۵	۰/۰۰۳
	خشونت جسمانی شدید	-۰/۱۷	۰/۰۰۱
	خشونت کل	-۰/۱۸۳	۰/۰۰۰
کنترل والدین	خشونت کلامی	-۰/۳۱	۰/۰۰۰
	خشونت جسمانی ملایم	-۰/۳۵۴	۰/۰۰۰
	خشونت جسمانی شدید	-۰/۳۳۲	۰/۰۰۰
	خشونت کل	-۰/۴۰	۰/۰۰۰
توافق یا عدم تضاد والدین	خشونت کلامی	-۰/۱۲۱	۰/۰۱۸
	خشونت جسمانی ملایم	-۰/۱۷	۰/۰۰۱
	خشونت جسمانی شدید	-۰/۱۵	۰/۰۰۴
	خشونت کل	-۰/۱۸	۰/۰۰۰
دل بستگی به خانواده	خشونت کلامی	-۰/۳۴۶	۰/۰۰۰
	خشونت جسمانی ملایم	-۰/۳۷۳	۰/۰۰۰
	خشونت جسمانی شدید	-۰/۳۵۷	۰/۰۰۰
	خشونت کل	-۰/۴۲۱	۰/۰۰۰
پیوند اجتماعی ایجاد شده توسط خانواده	خشونت کلامی	-۰/۳۵	۰/۰۰۰
	خشونت جسمانی ملایم	-۰/۳۷	۰/۰۰۰
	خشونت جسمانی شدید	-۰/۳۶	۰/۰۰۰
	خشونت کل	-۰/۴۲	۰/۰۰۰

برای گرفتن رگرسیون در ابتداء همبستگی چندگانه میان مؤلفه‌های پیوند اجتماعی همان‌طور که در جدول ۳ نشان داده شده است، گرفته شد تا هم‌خطی بین متغیرها محاسبه شود. هم‌چنین نتایج جدول نشان می‌دهد بین این مؤلفه‌ها همبستگی و هم‌خطی بالایی وجود ندارد.

## جدول ۳: ماتریس همبستگی چندگانه میان مؤلفه‌های ایجادکننده

## پیوند اجتماعی در خانواده

مؤلفه‌های پیوند اجتماعی	۱	۲	۳	۴
دینداری والدین	۱/۰۰۰			
کنترل والدین	۰/۳۳۹**	۱/۰۰۰		
دل بستگی به والدین	۰/۳۷۱**	۰/۵۰۹**	۱/۰۰۰	
توافق بین والدین	۰/۱۸۰**	۰/۱۵۵**	۰/۱۶۶**	۱/۰۰۰

\*\*P < 0.01



در پیش‌بینی متغیر خشونت کلامی، رگرسیون سلسله مراتبی (جدول شماره ۴ و ۵) نشان می‌دهد مجموعه متغیرهای مرحله اول معنادار نبود. در مرحله دوم و با اضافه کردن متغیرهای پیش‌بین اصلی، یعنی مؤلفه‌های مربوط به پیوند اجتماعی این متغیرها توانستند ۱۳/۶٪، فراتر از متغیرهای زمینه‌ای پیش‌بینی کنند البته از بین این متغیرها، تنها متغیرهای کنترل والدین و دلبستگی به خانواده معنادار بوده و توانستند متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند. در نهایت با وارد کردن این دو متغیر به مدل رگرسیونی، این دو متغیر توانستند مقدار ۱۲/۹ درصد از متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند.

جدول ۴: خلاصه الگوی رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی متغیر خشونت کلامی

الگو	R	مجدور R	R استاندارد شده	خطای برآورد	تغییرات مجدور R	معنی داری
۱	۰/۱۰۷	۰/۰۱۲	-۰/۰۰۴	۳/۷۱۵	۰/۰۱۲	۰/۶۲۳
۲	۰/۳۸۴	۰/۱۴۷	۰/۱۲۵	۳/۴۶۸	۰/۱۳۶	۰/۰۰۰

جدول ۵: نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی متغیر خشونت کلامی

متغیر	مدل اول				مدل دوم			
	B	SE	t	p	B	SE	t	p
مدرسه	۰/۹۸۶	۰/۵۴۶	۱/۸۰۷	۰/۰۷۲	۰/۷۲۰	۰/۵۱۳	۱/۴۰۴	۰/۱۶۱
سن	۰/۲۲۴	۰/۲۶۸	۰/۸۳۷	۰/۴۰۳	۰/۲۰۳	۰/۲۵۱	۰/۸۱۲	۰/۴۱۷
محل تولد	-۰/۱۶۲	۰/۵۰۱	-۰/۳۲۳	۰/۷۴۷	-۰/۲۰۱	۰/۴۶۹	-۰/۴۲۹	۰/۶۶۸
پایه	-۰/۲۹۷	۰/۳۴۳	-۰/۸۶۴	۰/۳۸۸	-۰/۱۲۳	۰/۳۲۴	-۰/۳۸۱	۰/۷۰۳
جمعیت خانواده	۰/۰۱۵	۰/۱۰۹	۰/۱۳۸	۰/۸۹۰	-۰/۰۷۲	۰/۱۰۳	-۰/۷۰۳	۰/۴۸۲
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	-۰/۱۶۰	۰/۳۴۶	-۰/۴۶۳	۰/۶۴۴	-۰/۱۳۳	۰/۳۲۵	-۰/۴۰۸	۰/۶۸۳
دینداری والدین					-۰/۳۱۷	۰/۳۷۹	-۰/۸۳۷	۰/۴۰۳
کنترل والدین					-۰/۹۰۰	۰/۲۷۷	-۳/۲۴۴	۰/۰۰۱
توافق یا عدم تضاد والدین					-۰/۲۳۳	۰/۲۳۲	-۱/۰۴۷	۰/۲۹۶
دلبستگی به والدین					-۱/۰۴۱	۰/۲۹۷	-۳/۵۱۲	۰/۰۰۰
Adjusted R2					۰/۱۲۵			
N					۳۸۵			

هم‌چنین نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی خشونت جسمانی ملایم (جدول شماره ۶ و ۷) نشان می‌دهد مجموعه متغیرهای مرحله اول معنادار بوده و توانسته‌اند ۱/۹٪ از واریانس

متغیر ملاک را تبیین کنند. اما از بین این متغیرها تنها متغیرهای سن و پایه تحصیلی معنادار بودند. در مرحله دوم و با اضافه کردن متغیرهای پیش‌بین اصلی، یعنی مؤلفه‌های مربوط به پیوند اجتماعی این متغیرها توانستند ۹/۱۵٪، فراتر از متغیرهای زمینه‌ای پیش‌بینی کنند. البته از بین این متغیرها، تنها متغیرهای کنترل والدین، دلبستگی به والدین، سن و پایه تحصیلی معنادار بوده و توانستند متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند. در نهایت با وارد کردن این چهار متغیر به رگرسیون، آن‌ها توانستند ۱۷/۳ درصد از متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند.

جدول ۶: خلاصه الگوی رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی

متغیر خشونت جسمانی ملایم

الگو	R	R مجذور	R استاندارد شده	خطای برآورد	تغییرات مجذور R	معنی داری
۱	۰/۱۸۶	۰/۰۳۴	۰/۰۱۹	۹/۶۱	۰/۰۳۴	۰/۰۳۸
۲	۰/۴۴۰	۰/۱۹۳	۰/۱۷۲	۸/۸۳	۰/۱۵۹	۰/۰۰۰

جدول ۷: مدل رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی متغیر

خشونت جسمانی ملایم

متغیر	مدل اول				مدل دوم			
	B	SE	t	p	B	SE	t	p
مدرسه	۰/۲۳۱	۱/۴۱۲	۰/۱۶۳	۰/۸۷۰	۰/۰۱۹	۱/۳۰۵	-۰/۳۲۴	۰/۷۴۶
سن	۱/۷۱۱	۰/۶۹۳	۲/۴۷۰	۰/۰۱۴	۰/۱۴۵	۱/۶۰۹	۲/۵۲۳	۰/۰۱۲
محل تولد	۰/۳۹۷	۱/۲۹۵	۰/۳۰۷	۰/۷۵۹	۰/۰۱۵	۱/۱۹۵	۰/۳۲۹	۰/۷۴۲
پایه	-۲/۸۵۰	۰/۸۸۸	-۳/۲۰۸	۰/۰۰۱	-۲/۳۹۸	۰/۸۲۴	-۲/۹۱۰	۰/۰۰۴
جمعیت خانواده	-۰/۰۶۳	۰/۲۸۲	-۰/۲۲۵	۰/۸۲۲	-۰/۳۱۴	۰/۲۶۲	-۱/۱۹۹	۰/۲۳۱
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	-۰/۴۳۶	۰/۸۹۴	-۰/۴۸۸	۰/۶۲۶	-۰/۴۵۱	۰/۸۲۷	-۰/۵۴۵	۰/۵۸۶
دینداری والدین								
کنترل والدین								
توافق یا عدم تضاد والدین								
دلبستگی به والدین								
Adjusted R2	۰/۰۳۴				۰/۱۸۸			
N	۳۸۵				۳۸۵			

هم‌چنین نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی خشونت جسمانی شدید (جدول شماره ۸ و ۹) نشان می‌دهد مجموعه متغیرهای مرحله اول معنادار نبوده‌اند. در مرحله دوم و با اضافه کردن

متغیرهای پیش‌بینی اصلی، یعنی مؤلفه‌های مربوط به پیوند اجتماعی این متغیرها توانستند  $0.13/7$ ؛ فراتر از متغیرهای زمینه‌ای پیش‌بینی کنند. البته در مدل دوم تنها متغیرهای کنترل والدین، دلبستگی به والدین، سن و پایه تحصیلی معنادار بوده و توانستند متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند. در نهایت با وارد کردن این چهار متغیر به رگرسیون، آن‌ها توانستند  $0.14/8$  از متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند.

جدول ۸: خلاصه الگوی رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی متغیر خشونت جسمانی شدید

الگو	R	مجدور R	R استاندارد شده	خطای برآورد	تغییرات مجدور R	معنی داری
۱	۰/۱۶۷	۰/۰۲۸	۰/۰۱۲	۲/۶۶	۰/۰۲۸	۰/۰۹۷
۲	۰/۴۰۵	۰/۱۶۴	۰/۱۴۲	۲/۴۸	۰/۱۳۷	۰/۰۰۰

جدول ۹: مدل رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی متغیر خشونت جسمانی شدید

متغیر	مدل اول				مدل دوم			
	B	SE	t	p	B	SE	t	P
مدرسه	۰/۵۱۶	۰/۳۹۱	۱/۳۲۱	۰/۱۸۷	۰/۳۴۵	۰/۳۶۶	۰/۹۴۲	۰/۳۴۷
سن	۰/۴۸۹	۰/۱۹۲	۲/۵۴۷	۰/۰۱۱	۰/۴۶۹	۰/۱۷۹	۲/۶۲۱	۰/۰۰۹
محل تولد	-۰/۰۱۶	۰/۳۵۹	-۰/۰۴۴	۰/۹۶۵	-۰/۰۰۵	۰/۳۳۶	-۰/۰۹۸	۰/۹۲۲
پایه	-۰/۶۵۶	۰/۲۴۶	-۲/۶۶۷	۰/۰۰۸	-۰/۵۳۴	۰/۲۳۱	-۲/۳۰۷	۰/۰۲۲
جمعیت خانواده	۰/۰۸۴	۰/۰۷۸	۱/۰۷۳	۰/۲۸۴	۰/۰۲۰	۰/۰۷۴	۰/۲۶۹	۰/۷۸۸
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	۰/۰۰۵	۰/۲۴۸	۰/۰۱۸	۰/۹۸۵	۰/۰۲۱	۰/۲۳۲	۰/۰۹۰	۰/۹۲۸
دینداری والدین					-۰/۰۵۸	۰/۲۷۱	-۰/۲۱۶	۰/۸۲۹
کنترل والدین					-۰/۷۸۹	۰/۱۹۸	-۳/۹۷۸	۰/۰۰۰
توافق یا عدم تضاد والدین					-۰/۲۱۳	۰/۱۵۹	۱/۳۴۲	۰/۱۸۰
دلبستگی به والدین					-۰/۶۵۷	۰/۳۱۲	-۳/۰۹۹	۰/۰۰۲
Adjusted R2	۰/۰۱۲				۰/۱۴۲			
N	۳۸۵				۳۸۵			

و در نهایت نتایج رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی خشونت میان فردی (مجموع ابعاد) (جدول شماره ۱۰ و ۱۱) نشان می‌دهد، مجموعه متغیرهای مرحله اول معنادار نبوده‌اند. در مرحله

دوم و با اضافه کردن متغیرهای پیش‌بینی اصلی این مؤلفه‌ها توانستند ۱۹/۸ درصد، فراتر از متغیرهای زمینه‌ای پیش‌بینی کنند. البته در مدل دوم تنها متغیرهای کنترل والدین، دلبستگی به خانواده، تضاد والدین، سن و پایه تحصیلی معنادار بوده و توانستند متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند. در نهایت با وارد کردن این پنج متغیر به رگرسیون، آن‌ها توانستند ۱۶/۲ درصد از متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند.

جدول ۱۰: خلاصه الگوی رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی

متغیر خشونت میان فردی

الگو	R	مجدور R	R استاندارد شده	خطای برآورد	تغییرات مجدور R	معنی داری
۱	۰/۱۷۸	۰/۰۳۲	۰/۰۱۶	۲۶/۷۸	۰/۰۳۲	۰/۰۵۶
۲	۰/۴۸۰	۰/۲۳۰	۰/۲۱۰	۲۴	۰/۱۹۸	۰/۰۰۰

جدول ۱۱: مدل رگرسیون سلسله مراتبی برای پیش‌بینی

متغیر خشونت میان فردی

متغیر	مدل اول				مدل دوم			
	B	SE	t	p	B	SE	t	p
مدرسه	۲/۹۹۷	۳/۹۳۵	۰/۷۶۲	۰/۴۴۷	۰/۹۰۸	۳/۵۴۷	۰/۲۵۶	۰/۷۹۸
سن	۵/۱۱۲	۱/۹۳۱	۲/۶۴۸	۰/۰۰۸	۴/۸۲۹	۱/۷۳۳	۲/۷۸۶	۰/۰۰۶
محل تولد	۰/۵۸۶	۳/۶۱۰	۰/۱۶۲	۰/۸۷۱	۰/۴۸۶	۳/۲۴۹	۰/۱۵۰	۰/۸۸۱
پایه	-۷/۹۶۵	۲/۴۷۶	-۳/۲۱۷	۰/۰۰۱	-۶/۵۲۲	۲/۲۴۱	-۲/۹۱۱	۰/۰۰۴
جمعیت خانواده	۰/۱۳۹	۰/۷۸۵	۰/۱۷۷	۰/۸۵۹	-۰/۶۴۱	۰/۷۱۲	-۰/۹۰	۰/۳۶۹
پایگاه اقتصادی-اجتماعی	-۱/۰۱۸	۲/۴۹۲	-۰/۴۰۹	۰/۶۸۳	-۰/۹۷۱	۲/۲۴۹	-۰/۴۳۲	۰/۶۶۶
دینداری والدین								
کنترل والدین								
توافق یا عدم تضاد والدین								
دلبستگی به والدین								
Adjusted R2				۰/۰۱۶	۰/۲۱۰			
N				۳۸۵	۳۸۵			

بحث

مطالعه حاضر، با هدف بررسی رابطه بین میزان پیوند اجتماعی (جامعه‌پذیری) ایجاد شده توسط خانواده (که بر طبق نظر نای از طریق چهار عامل: نظارت درونی، نظارت غیرمستقیم، نظارت مستقیم و ارضای نیازها، در خانواده حاصل می‌شود) بر خشونت میان فردی دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه

شهر یزد پرداخته شد. همان‌طور که نتایج نشان دادند همبستگی منفی و معناداری بین پیوند اجتماعی ایجاد شده توسط خانواده و مؤلفه‌های آن، با خشونت میان فردی وجود داشت. به عبارت دیگر هرچه عوامل ایجادکننده پیوند اجتماعی و یا به عبارتی جامعه‌پذیری در خانواده بیشتر باشند همراه با آن خشونت میان فردی و ابعاد گوناگون آن نیز کاهش می‌یابد.

نتایج رگرسیون سلسله مراتبی نیز نشان داد متغیرهای کنترل والدین، دلبستگی به خانواده، تضاد والدین، سن و پایه تحصیلی بهترین پیش‌بینی‌کننده برای متغیر ملاک بودند. با وارد کردن این متغیرها به رگرسیون، آن‌ها توانستند ۱۶/۲٪ از متغیر ملاک را پیش‌بینی کنند.

نتایج این پژوهش نظر نای را تأیید می‌کند. نای معتقد بود خانواده یکی از نهادهای مهم در جامعه‌پذیری و ایجادکننده پیوند بین نوجوان و ارزش‌های جامعه است. وی معتقد بود این پیوند از طریق چهار عامل صورت می‌گیرد که هر چه این چهار عامل بیشتر باشد فرایند جامعه‌پذیری و پذیرش ارزش‌های جامعه نیز بیشتر خواهد بود. چهار عاملی که نای مطرح کرد عبارت بودند از: نظارت درونی، وی معتقد بود این نوع کنترل از طریق درونی ساختن هنجارهای اخلاقی صورت می‌گیرد. همان‌طور که پژوهش نشان داد هر چه دینداری والدین بیشتر بود میزان رفتارهای خشونت‌آمیز نوجوانان نیز کاهش می‌یافت؛ نظارت غیرمستقیم، که بر طبق نظر نای هرچه دلبستگی بین نوجوان و خانواده بیشتر باشد این نوع نظارت بیشتر می‌شود. همان‌طور که این پژوهش نشان داد، نوجوانانی که به والدین خود دلبستگی بیشتری داشتند رفتارهای خشونت‌آمیز کمتری از خود نشان دادند؛ نظارت مستقیم، که از طریق کنترلی که والدین به صورت مستقیم بر رفتار نوجوان اعمال می‌کنند، حاصل می‌شود. همان‌طور که این پژوهش نشان داد رفتارهای خشونت‌آمیز در نوجوانانی که رفتارشان بیشتر مورد کنترل والدین قرار می‌گیرد کمتر است؛ ارضای نیازها، که بر طبق نظر نای زمانی صورت می‌گیرد که در خانواده تضاد کمتر و یا به عبارت دیگر توافق بیشتری وجود داشته باشد. همان‌طور که این پژوهش نشان داد نوجوانانی که در رابطه بین والدین خود توافق بیشتری دیده بودند رفتارهای خشونت‌آمیز کمتری از خود نشان داده بودند. همچنین این نتایج با برخی از یافته‌های محققانی که به بررسی رفتارهای مسئله‌دار نوجوانان پرداخته‌اند، سازگاری دارد. برخی از پژوهش‌ها نشانگر این مسئله‌اند که تضاد و ناسازگاری و تعارض والدین بر رفتار مسئله‌دار نوجوانان مؤثرند. برای مثال گروتوانت و کوپر (۱۹۸۵)، نشان دادند که چگونگی تعامل والدین با فرزندان، پیامدهای رفتاری ویژه‌ای به همراه دارد.

هایکتز و گاتمن (۱۹۹۳) نیز دریافتند که میزان تعارض بین زن و شوهر می‌تواند بر سازگاری نوجوانان اثر داشته باشد. در خانواده‌هایی که بین زن و شوهر تعارض و کشمکش همراه با عناد و خصومت وجود دارد، فرزندان، ناسازگاری و به ویژه رفتارهای پرخاشگرانه و نافرمانی از خود بروز می‌دهند. وبستر و استراتون (۱۹۹۵) نیز در پژوهشی نشان دادند که فرزندان خانواده‌های ناسازگار،

پرخاشگرترند. هم‌چنین دی‌کلاین و بیربام (۱۹۹۸)، نیز نشان دادند که خانواده‌هایی که دارای روابط سرد و با دلبستگی پایین هستند، کودکان بزهکار تولید می‌کنند. یافته‌های دنیس و تری (۱۹۹۹) نیز نشان دادند که تضاد و درگیری در محیط خانواده، میزان کنترلی که والدین بر روی فرزندان اعمال می‌کنند و وابستگی عاطفی اعضای خانواده به همدیگر، بر روی رفتارهای مسئله‌دار نوجوانان مؤثر است.

در نهایت باید این نکته را خاطر نشان کرد که با وجود استقلال‌طلبی نوجوانان در این سنین و با وجود این‌که در این سنین سایر نهادهای رسمی و غیررسمی جامعه‌پذیرکننده بر رفتار نوجوان اثر می‌گذارند، باز هم نقش خانواده در رفتار نوجوانان کاملاً مشخص است. به نظر می‌رسد این نقش خانواده از دو طریق صورت می‌گیرد؛ بخشی از آن از طریق پیوند اجتماعی است که خود خانواده ایجاد می‌کند. برای مثال خانواده‌ها هرچه دیندارتر باشند، پیوند اجتماعی مستحکم‌تری در نوجوانان خود ایجاد می‌کنند. هم‌چنین والدینی که تضاد و درگیری کمتری دارند، امکان رسیدگی به نیازهای نوجوانان و هدایت رفتار او به صورت هماهنگ و مبتنی بر هنجارهای جامعه را خواهند داشت. از طرف دیگر بخش مهمی از این نقش از طریق کنترل ارتباط نوجوانان با سایر نهادها صورت می‌گیرد. والدینی که کنترل بیشتری بر رفتار فرزندان اعمال می‌کنند و یا با ایجاد دلبستگی در بین اعضای خانواده، ارتباط بیشتری با نوجوان خود برقرار می‌کنند، نقش مهمی بر میزان و نوع تأثیرپذیری وی از سایر گروه‌های ایفا می‌کنند. البته این تحقیق نشان داد که میزان همبستگی رفتار خشونت‌آمیز نوجوان با متغیرهای دلبستگی به والدین و کنترل والدین بیش از دو متغیر دیگر است. این امر می‌تواند نشان‌دهنده این مسئله باشد که نقش والدین در این دوران به علت استقلال‌جویی نوجوان از والدین، بیشتر می‌تواند از طریق کنترل ارتباط او با سایر نهادهای جامعه‌پذیرکننده (مدرسه، همسالان، رسانه‌های گروهی و...) صورت گیرد و نه از طریق نقش مستقیم خانواده در درونی کردن هنجارها. البته این نکته را نباید فراموش کرد که علت کمتر بودن این همبستگی در مورد دینداری والدین و تضاد والدین می‌تواند جمع‌آوری اطلاعات مربوط به نمره این دو متغیر به صورت غیرمستقیم و آن هم از طریق نوجوانان باشد و اگر بتوان این اطلاعات را مستقیماً از والدین به دست آورد نتایج دقیق‌تری حاصل خواهد شد.

#### یادداشت‌ها

- |                              |                            |
|------------------------------|----------------------------|
| 1. Violence                  | 16. Moos                   |
| 2. In self violence          | 17. Prinz                  |
| 3. Mi Hirshi d-self violence | 18. Forter                 |
| 4. Deklyen                   | 19. Kent                   |
| 5. Nye                       | 20. O'Leary                |
| 6. Deklyen                   | 21. Conflict tactics scale |
| 7. Biernbaumaun              | 22. Kumagi                 |

- |             |                              |
|-------------|------------------------------|
| 8. Dennis   | 23. Straus                   |
| 9. Terry    | 24. Guttman                  |
| 10. Webster | 25. Edleson                  |
| 11. Dahl    | 26. Tang                     |
| 12. Katz    | 27. Verbal violence          |
| 13. Gottman | 28. Minor physical violence  |
| 14. Duncan  | 29. Severe physical violence |
| 15. Nam     |                              |

## منابع

- اعزازی، ش. (۱۳۸۳). *خشونت خانوادگی - خشونت اجتماعی، مجموعه مقالات آسیب‌های اجتماعی ایران*. تهران: انتشارات آگه.
- بازرگان، ز، صادقی، ن. و غلامعلی لواسانی، م. (۱۳۸۲). بررسی وضعیت خشونت کلامی در مدارس راهنمایی شهر تهران: مقایسه نظرات دانش‌آموزان و معلمان. *مجله روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ۱، ۱-۲۸.
- پورچیت ساز، م. (۱۳۸۲). *مقایسه عوامل مؤثر در پرخاشگری دانش‌آموزان دختر و پسر دوره راهنمایی شهر یزد ناحیه ۲*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه یزد، یزد.
- توسل، غ. ع. و فاضل، ر. (۱۳۸۱). تأثیر پایگاه اقتصادی اجتماعی و رفتار والدین بر اثربخشی خشونت تلویزیونی بر رفتار کودکان. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۳، ۹۸-۱۲۰.
- چلبی، م. (۱۳۸۱). آثار نظم و تضاد خانواده بر خشونت علیه کودکان. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۲، ۲۶-۵۴.
- زارعی، ا. (۱۳۸۳). *عوامل مؤثر بر خشونت دانش‌آموزان دبیرستان‌های پسرانه شهر تهران*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ستوده، ه. ا. (۱۳۷۸). *روان‌شناسی اجتماعی*. تهران: انتشارات آوای نور.
- سجادی، ح. (۱۳۸۲). *بررسی عوامل مرتبط با خشونت شوهران علیه زنان در خانواده در مراجعین به دادگاه خانواده شهر تهران سال ۱۳۸۲*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی، تهران.
- کاپلان، پ. س. (۱۳۸۱). *روان‌شناسی رشد (ترجمه م. فیروزبخت)*. تهران: خدمات فرهنگی رسا. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۲۰۰۰)
- گلچین، م. (۱۳۸۰). ارتباط عملکرد خانواده با برخی ویژگی‌های روانی نوجوانان دختر و پسر. *پژوهش در علوم پزشکی*، ۳۰۰-۳۰۲.
- گیدنز، آ. (۱۳۷۳). *جامعه‌شناسی (ترجمه م. صبوری)*. تهران: نشر نی. (تاریخ انتشار به زبان اصلی، ۱۹۹۳)
- محسنی تبریزی، ع. ر. (۱۳۷۹). مبانی نظری و تجربی وندالیسم: مروری بر یافته‌های یک تحقیق. *نامه علوم اجتماعی*، ۱۶، ۱۹۳-۲۲۷.
- محسنی تبریزی، ع. ر. (۱۳۸۱). سیری در مفاهیم و نظریه‌های خشونت پرخاش و پرخاشگری به منظور ساخت و ارائه یک مدل علی-توصیفی خشونت در ورزش. *نامه علوم اجتماعی*، ۱۹، ۱۲۷-۱۵۳.
- مرکز آمار ایران (۱۳۸۶). *سالنامه آماری کشور در سال ۱۳۸۵*. تهران: دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی مرکز آمار ایران.
- ممتاز، ف. (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی نظریه‌ها و دیدگاه‌ها*. تهران: شرکت سهامی انتشار.

نجفی، م.، احدی، ح. و دلاور، ع. (۱۳۸۵). بررسی رابطه کارایی خانواده و دینداری با بحران هویت. *دوماهنامه علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد*، ۱۶، ۱۷-۲۶.

- Baum, K., & Klaus, P. (2005). *Violent victimization of college students, 1995-2002*. (NCJ Publication No. 206836). Washington, D.C: U.S. Department of Justice, Office of Justice Program, Bureau of Justice Statistic).
- Decluyen, M., Biernbaum, M. A., Speltz, M. L., & Greenberg, M. T. (1998). Fathers and preschool behavior problems. *Developmental Psychology*, 34, 264-275.
- Dennis, V., Ary, T. E., Duncan, S. C., & Duncan, H. H. (1999). Adolescent problem behavior: the influence of parents and peers. *Behavior Research and Therapy*, 37, 217-230.
- Duncan, O. D., Reiss, A. J., Hott, P. K., & Notth, C. C. (1961). *Occupation & social status*. Glencoe, IL: Free Press.
- Grotevant, H. D., & Cooper, C. R. (1985). Patterns of interaction in family relationship and the development of identity exploration in adolescence. *Child Development*, 59, 415-428.
- Katz, L. F., & Gottman, J. M. (1993). Patterns of marital conflict predict children's internalizing and externalizing behaviors. *Developmental Psychology*, 29, 940-950.
- Katz, L. F., & Gottman, J. M. (1997). Buffering children from marital conflict and dissolution. *Journal of Clinical Child Psychology*, 26, 157-171.
- Moos, R., & Moos, B. (1975). Families. In R. H. Moos (Ed.), *Evaluating correctional and community settings* (pp. 146-162). N.Y: Wiley.
- Nam, B. C., & Powers, M. G. (1983). *The socioeconomic approach to status measurement*. Houston: Cap & Gown.
- Prinz, R. J., Foster, S., Kent, R. N., & O'Leary, K. D. (1979). Multivariate assessment of conflict in distressed and nondistressed mother-adolescent dyads. *Journal of Applied Behavior Analysis*, 12, 691-700.
- Webster-Stratton, C., & Dahl, R. W. (1995). Conduct disorder. In M. Hersen & R.T. Ammerman (Eds.), *Advanced abnormal child psychology* (pp. 238-251). Hillsdale, New Jersey: Lawrence Erlbaum Associates.

Archive